



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

تجلی اسطوره‌ها در شعر سید حسن حسینی

دکتر شهلا خلیل‌اللهی

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

khalilollahe@yahoo.com

زهرا جلالی طحان زواره

کارشناس ارشد ادبیات پایداری

دکتر غفار برج‌ساز

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد

aborjsaz@yahoo.com

چکیده

اسطوره با شعر پیوندی دیرینه دارد. اسطوره‌ها در فرهنگ ملی و مذهبی هر ملتی ریشه دارد و هر شاعری بنا به اعتقادات خویش اسطوره‌ها را باز آفرینی می‌کند. سیدحسن حسینی از شعرای تاثیرگذار گستره‌ی ادبیات انقلاب اسلامی که در حوزه‌ی شعر آئینی - مذهبی و سیاسی - اجتماعی، توفیق فراوان داشته است. مبنای اعتقادی محکمش در اشعارش جلوه‌گر شده است. بازتاب اسطوره‌ها در شعر حسینی بسیار چشمگیر است. هدف مقاله‌ی حاضرشناخت تجلی اسطوره‌ها در شعر سید حسن حسینی است و مساله‌ی اصلی آن بررسی تجلی اسطوره‌ها در شعر سید حسن حسینی در سه دسته: ۱. تجلی اسطوره‌های باستانی ۲. تجلی اسطوره‌های مذهبی ۳. تجلی اسطوره‌های انقلاب و دفاع مقدس به صورت تحلیل محتوا است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که کاربرد اسطوره‌ها در شعر حسینی بسامد بالایی دارد و برای بیان اعتقادات مذهبی و ملی شاعر به کارفته‌اند.

کلید واژه‌ها: اسطوره، اشعار سید حسن حسینی،

پیشینه تحقیق:

در این مورد شعر سید حسن حسینی مقاله‌هایی با موضوعات متنوع نوشته شده است که به این شرح است.



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

گذری بر اندیشه و شعر سید حسن حسینی نوشته ی فاطمه محمودی

بن مایه های شهید و شهادت در شعر سید حسن حسینی نوشته ی دکتر نعمت اله ایران زاده و افسانه رحیمیان

نگاهی به تلمیحات شعر زنده یاد سید حسن حسینی در کتاب هم صدا با حلق اسماعیل نوشته ی علی اکبر شرفی

نقد پیوند زبان و اندیشه در مجموعه شعر هم صدا با حلق اسماعیل نویسنده ی فلورا بختیارپور امیری

دفاع مقدس در شعر سید حسن حسینی نویسنده ی: میرجعفری، سید اکبر

(گنجشک و جبرئیل) نگاهی به شعرهای عاشورایی دکتر سید حسن حسینی نویسنده ی علی پور، مصطفی

این مقاله قصد دارد به کاربرد انواع اسطوره ها در شعر حسینی بپردازد.

مبانی نظری

اسطوره شناسان دیدگاه های متفاوتی نسبت به اسطوره داشته اند و هر یک براساس نگرش خود به تعریف اسطوره پرداخته اند که در این مبحث به تعدادی از این نظریات بسنده می شود .

مهرداد بهار می گوید: « اساطیر جمع مکسر واژه اسطوره در عربی است ، که خود واژه ای است معرب از

یونانی Historia به معنای جست و جو ، آگاهی و داستان ، و از مصدر Historian به معنای بررسی کردن

و شرح دادن . واژه اروپایی برابر آن Myth در انگلیسی، Mythe در فرانسوی ، Myth-e در آلمانی ، از واژه

Mythos به معنای شرح ، خبر و قصه گرفته شده است.» (واحد دوست ، ۱۳۸۱ ، ۲۱)

میرچا الیاده در تعریف اسطوره می گوید: «اسطوره نقل کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی

واقعیه ایست که در زمان اولین، زمان شگرف، بدایت همه چیز رخ داده است. به بیان دیگر اسطوره حکایت

می کند که چگونه به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، چه کل واقعیت (کیهان) یا

فقط جزئی از واقعیت (نوع نباتی خاص، سلوکی و کردارهای انسانی ...) پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین

اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعا روی داده و به تمامی پدیدار گشته سخن می‌گوید.» (الیاده، ۱۳۸۶، ۱۴) ارنست کاسیرر درباره اسطوره این چنین می‌گوید: «اسطوره در حقیقت دو وجه دارد: یکی ساخت عقلی و دیگری ساخت حسی. اگر اسطوره تصویری خاص از عالم واقع نداشت، نمی‌توانست تعبیری از آن ارائه دهد. اسطوره بدین معنی ابتدا خصوصیات عینی را در می‌یابد و نه خصوصیات ظاهری و طبیعی را. عالم اساطیر در واقع جهانی است که در «کنش‌ها و واکنش‌ها و قوای گوناگون و نیروهای مختلف با هم در جدال هستند و اسطوره در هر پدیده طبیعی جدال بین نیروها را در می‌یابد.» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۹) لوی برون می‌گوید: «اساطیر به جای آن که تبیین و توجیه طبیعت باشند، بر توصیف و تعریف مافوق طبیعت تمرکز دارند زیرا میان طبیعی و فوق طبیعی مرزی نیست و دنیوی و دینی در یکدیگر تداخل دارند و از هم بهره‌مندند اسطوره جزو تخیلات نیست بلکه در زمره واقعیات است.» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۸)

اسطوره و شعر

هر یک از شاعران انقلاب اسلامی برای جلوه مفاهیم انقلابی و مقاومتی از روش‌های ویژه‌ای بهره‌گرفته‌اند. یکی از این شیوه‌ها کاربرد اسطوره‌هاست که نوعی بازآفرینی را در شعر به وجود می‌آورد میرچا الیاده می‌گوید: هر شعری تلاشی است برای بازآفریدن زبان، به کلام دیگر، منسوخ ساختن زبان مرسوم و روزمره و ابداع گفتاری جدید، خصوصی و شخصی و در تحلیل نهایی اسرارآمیز. (الیاده، ۱۳۷۵، ۳۵)

لیلین فدر در اساطیر کهن در شعر نو می‌گوید: اسطوره، ساختی روایی از دو حیطه‌ی اساسی تجربه‌ی ناخودآگاه است که البته با هم مرتبطند. نخست اینکه اسطوره بیانگر نیازهای درونی و فطری و نیز بیانگر تمایلات، ترس‌ها، تعارضات برخاسته از آن نیازهاست و دیگر اینکه حاصل خاطراتی است که در درون خودآگاه فردی مرحله‌ی اولیه رشد تکاملی نوع انسان قرار دارد، مرحله‌ی ای که در آن اسطوره‌ها آفریده شدند.

فارسی، بیشتر شاعران از اساطیر به صورت تلمیح استفاده کرده‌اند این کاربرد در دوران اولیه‌ی شعر فارسی ساده و به صورت اشارات کوتاه یا تشبیه بود و رفته رفته پیچیده تر شد و به شکل‌های استعاره و



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

تمثیل و نماد عرضه گردید. در آغازین شعر فارسی اساطیر ایرانی بیش از اساطیر سامی و اسلامی حضور دارند اما در دوره های بعد به میزان اساطیر سامی و اسلامی افزوده می شود. (چناری ، ۱۳۸۱ ، ۹۱-۹۲) در دوره ی معاصر ، علاوه بر استفاده ی نو از اساطیر گذشته، اسطوره های جدیدی وارد شعر فارسی شد. صنعتی در این باره می گوید : اسطوره های باستانی فقط بخش کوچکی از دنیای اسطوره ای است که ممکن است هنوز فعال و زنده باشند ولی اکثر اسطوره ها ، به طور روزمره ساخته و پرداخته می شوند . شناخت اسطوره ها به ما کمک می کند که بتوانیم اسطوره هایی را که الگوی زندگی ما هستند و یا در ما زندگی می کنند از واقعیت های غیر اسطوره ای باز شناسیم . (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۱۲۴)

اساطیر به کار رفته در شعر شاعران انقلاب و دفاع مقدس با توجه به اندیشه های ملی و مذهبی ، به ویژه فرهنگ عاشورایی و شهادت طلبی در دوران جنگ را می توان به سه گروه تقسیم کرد. ۱. اسطوره های باستانی ۲. اسطوره های مذهبی ۳. اسطوره های انقلاب و دفاع مقدس

اسطوره ها بازتاب فکری ، عقیدتی شاعران هستند که در قالب واژگان و شعر در می آیند . یونگ در این رابطه می گوید : اساطیر هرگز هوشیارانه آفریده نشده اند و نخواهند شد . آن ها بیش از هر چیز تجلی خواسته های ناخود آگاهانه اند که بر اثر پس رفت جان گرفته اند و می توان آن ها را با رویا قیاس کرد. (بایستید ، ۱۳۷۵ ، ۳۴) در شعر حسینی اعتقادات مذهبی و انقلابی آشکارا جلوه گر شده است . وی برای بیان عقایدش از اسطوره های کهن و نو بهره گرفته است . در اشعار حسینی هم اسطوره های مثبت و هم اسطوره های منفی در راستای یک هدف در کنار یکدیگر به کار رفته اند . این همراهی درباره اسطوره های ملی ، مذهبی و انقلابی نیز صدق می کند. همچون مثنوی شهیدان در هم صدا با حلق اسماعیل.

این مقاله به شناخت اساطیر در شعر سید حسن حسینی شاعر متعهد انقلاب و دفاع مقدس با آوردن نمونه هایی از شعر او می پردازد .

۱. تجلی اسطوره های باستانی در شعر سید حسن حسینی

ضحاک ، کاوه و مار از اسطوره هایی هستند که به صورت سمبل در شعر حسینی جلوه گر شده اند. ضحاک، پادشاهی دیوپرست است که بر دو شانه ی چپ و راست خود دو مار گزنده دارد که تنها مغز جوانان ایرانی را می خورند، دو شانه ی چپ و راست ضحاک، دو مرز شرقی و غربی ایرانند و اگر مارهای ضحاک ، تنها مغز جوانان ایرانی می خورند، به سبب آن است که بیگانگان به جریان فکری و فرهنگی ایران تاختند و خواهان از بین بردن فرهنگ ایرانی هستند. در ادبیات ایران مار نشانه ی تاریکی، ظلمت و اهریمن است



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

و اهریمن هر زمان که می خواهد، به آهنگ تباهی و زیان کاری، پیکرینه شود، در چهره و پیکره ی ماری به نمود می آید. میرچا الیاده می گوید: ازدها /مار نمونه ای است از هیولای دریایی نخستین، نماد آب های کیهانی، ظلمت، شب، مرگ نمونه ای از هر چیز بی شکل و مجازی که هنوز شکل نگرفته است. دیو نماد نفس اماره و صفات رذیله و همچنین نشانه پلیدی ها و نشانه اندیشه بد است .

دیو سیاهی مظهر تلواسه ی شب
می خورد مغز اختران در کاسه ی شب
در باغ ها جای صنوبر دار می رست
بر کتف ظلمت ساقه های مار می رست
ماران سر از سوراخ بیرون می کشیدند
مغز سر نام آوران را می مکیدند
مثنوی شهیدان (هم صدا با حلق اسماعیل، ۱۳۶۳، ۳۵)

در پنجه ی دیو « من » گرفتار شدند
از نفس پلید خویش بازی خوردند نفس (همان ، ۱۱۳)

شب شیشه ی عمر دیو بد طینت بود
در مطلع فجر شیشه بر سنگ زدند فجر (همان ، ۱۳۳)
کردند بسی مشعله از خون شهید
آتش به سراپرده ی ضحاک زدند مشعله (همان ، ۱۳۸)
با دیو سیاه شب در آویخته ایم

در جام جنون باده ی خون ریخته ایم نفس صبح (همان ، ۱۴۲)
وقتی که شب ، / شب ظلمانی / چون دیو قصه ها / خرناسه می کشید مردی از تبار شرف
(همان ، ۵۲)

فریاد می کشید: «بازوی پهلوان / رخصت نمی دهد /کز این نمد / شود/ دوباره کلاهی نصیب دیو ای
نوجه های من ! / وحشت مباد در دلتان از نهیب دیو!» /آن سان که رفت حادثه بر دودمان عاد /امروز /
بر بساط معرکه ی پهلوان شهر / بادی وزیده است / بیچاره پهلوان قصه ی ما /از هجوم باد /بین
دو شاخ دیو / ماوا گزیده است! معرکه (همان ، ۵۴)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

کاوه نماد ظلم ستیزی و وجدان ایرانیان است و حسینی مردم ایران در زمان انقلاب را کاوه هایی می بیند که علیه ظلم ضحاک ماردوش که شاه ایران وابسته به شرق و غرب قیام می کنند.

در روزهای نه چندان دور / در عصر سلطه ی شیطان / می خواستی نشان دهی / به خلائق /... / اما خلق ، / این، / کاوه / کاوه / کاوه / کاوه خلائق / این دشمنان خونی ضحاک / دیدند « خورشیدشان » / خردک شرار محتضری داشت که می سوخت / در زیر سقف زورقی براق / و رقص عشوه گر « دود » / با رقص مرتعش تخدیر / معراج مضحکه ای داشت / تا طاق مغزشاعر کی وراج! / ای بامداد! / ای کرده کاوه های زمان را / - در عصر ماردوش - / (یاوه) قلمداد / اینک در این
طلیعه خون بارانگشت موش های تجاهل را / از دخمه های گوش / برون آر!
کبریت در قلمرو خورشید
(همان، ۴۴)

رستم نماد پایداری مردم ایران در برابر زورگویان و اشغالگران و خردورزی و دوراندیشی است. شاعر باتلمیحی به داستان بیژن و فرهاد که نماد انسانهای عاشق هستند که مشکلات بزرگی چون چاه و بیستون را بر سر راه دارند به سختی های راه انقلاب اشاره می کند و به دنبال رستم آزادی بخش است.

چاه شب را بیژنم من بیژنم
رستمی از چاه شب آزاد کو
بیستون شب مهیب است و بلند
عاشقی با تیشه ی فرهاد کو
فریاد (همان، ۸۹)

قصه شیرین عشقم رفت از خاطر ولی
کوهی از اندوه و ناکامی به فرهادم رسید (عاقبت خاموشی مطلق به فریادم رسید)
حسینی در شعر زیر علاوه بر رستم که نماد خرد ورزی است سهراب های جوان را استعاره از رزمندگان جوانی آورده که در میدان جنگ جانبازی می کنند
«قاف»، کوهی است اسطوره ای، که از خاور تا باختر عالم را در میان گرفته و منشاء پیدایش سایر کوه های عالم هستی گردیده. در اسطوره های پارسی، قاف را منزلگاه سیمرغ ذکر کرده اند که خورشید در پس آن غروب می کند و شبها را در چاهی پشت آن، سپری می نماید. کوه قاف، مکان چشمه آب حیات است و حسینی به دلیل همین ویژگی هاست که عقل را به کوه قاف تشبیه کرده است.



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

در اسطوره ها سیمرغ به دو خصلت اهریمنی و یزدانی توصیف شده است که سیمرغ اهریمنی بیشتر یک مرغ اژدهاست، فاقد استعدادهای قدسی سیمرغ یزدانی است و به دست اسفندیار در خوان پنجمش کشته می شود و آن سیمرغ اهریمنی است که فتنه به آن تشبیه شده است.

شاهنامه را بست / و زیر فورانی از بلور / گذشت / رستم نشسته بود / و دود و مه / بر کتف های مضطربش می کوفت / در دل بر او رحمت آورد / برخاست / و با آب دهان و / گوشه ی دامن / عینک رستم را / برای نبرد نهایی مهیا کرد! / و رو به قاف عقل / سیمرغ فتنه را / به یاری سهراب های جوان / خواند! (پایان شاهنامه)

شاعر از اسطوره بی مرگی رویین تنان برای به تصویر کشیدن جاودانگی شهیدان بهره گرفته :

ما از عشیره ی خون ، رویین تنان عشقیم
شمشیر ما شهادت ایمانمان سپر ها
کوثر (حسینی، ۱۳۶۳، ۲۳)

اهورا از ریشه /ah/ به چم هستی و بودن سرچشمه گرفته است و اهورا بدین روی به چم هستی بخش است که در مقابل اژدها که نماد ظلمت و اهریمن قرار گرفته و در اسطوره های کهن جدال اهریمن و اهورا سابقه ی طولانی دارد و شاعر از این دو واژه را نما د دو نفس نیک و بد وجود انسان گرفته و خواهان مبارزه نیکی بر بدی های درونی است.

ماجرا این است کم کم کمیت بالا گرفت
جای ارزشهای ما را عرضه ی کالا گرفت
آفتابی نا مبارک نفس هارا زنده کرد
بار دیگر اژدهای خشک را جنبنده کرد
از شما میپرسم آن شور اهورایی چه شد
بال معراج و خیال عرش پیمایی چه شد (مرداب ها و آب ها)
هنگام فلک که آسمان گلگون است
بر لشکر اهرمن شبیخون بزیم
والمغیرات صبحا (هم صدا با حلق اسماعیل، ۱۳۶۳، ۱۵۴)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

حسینی حتی در اشعار طنز آمیز خود از قصه های کهن به عنوان نمونه و مزاح استفاده کرده است.

شاعری خون می گفت
 زاهدی ایدر و ایدون می گفت
 قصه ی لیلی و مجنون می گفت ! (نوشداروی طرح ژنریک ، ۱۳۸۵ ، ۳۰)

۲. تجلی اسطوره های مذهبی

به نظر ملکیان : اسطوره جزئی است از کلی که به آن نام دین می دهیم و بنابراین متدین همیشه با بخشی از دین خودش یعنی با اسطوره مواجه است. (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۲۹۳)
 از نظر دورکهایم ، مذهب و اسطوره آینه ی جمع و گروه است او بر نقش استعاره و نماد در مذهب و اسطوره اندیشی تاکید کرده و اسطوره و مذهب را محصول آگاهی انسان می داند . (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۱۱۱)

اسطوره های مذهبی به کار رفته در شعر حسینی را می توان به دو دسته تقسیم کرد .
 الف: اسطوره های پیامبران و معصومین

اشاره به داستان پیامبران در شعر شاعران ایرانی ، سابقه ای دیرینه دارد. داستان پیامبران ، تنها حادثه ای تاریخی که یک بار اتفاق افتاده و تمام شده باشد ، نیست، بلکه حادثه ای است که در وجود هر کسی در هر زمان تکرار می شود و نقد حال هستی انسان است. (پور نامداریان : ۱۳۸۵ ، ۹۷)

از شیوه های به کار گیری اسطوره های دینی در شعر حسینی کاربرد تلمیحی آن است که به این وسیله بر مخاطب خود تاثیر شگرفی می گذارد و از ژرف ساخت تشبیه و تناسب آن برای توصیف شکوه شهیدان بهره گرفته است .

برای به تصویر کشیدن شهید جمشید بروجردیان از تلمیح به بزرگ پیامبرانی چون محمد ، عیسی ، موسی و نوح و بهره گرفته است که چگونه به خواسته های دنیوی نه می گوید و می تواند اسوه و الگویی در جامعه ی امروز باشد.

تفکر اسطوره ای تصویر ساز و نماد والگو ساز است. (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۲۲۷)

بزرگان «نه» رابر می گزینند / او حقیران به خواری / تن به « آری » می دهند ! / .. / محمد(ص)
 گفت : نه! / و پر جبرئیل آتش گرفت / و عیسی و موسی و نوح و روح.. / هر یک به گونه ای! / اگر



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

رسول روزگار خویش می خوانمت / طواف / بر مدار گزاف نکرده ام .
سرود اول (هم صدا با حلق اسماعیل، ۱۳۶۳، ۵۸)

یا اورا اسماعیلی می دان که در راه حق قربانی شده است و راه نمایی است که نمود درونی شاعر را نابود می سازد. در اینجا نمود غرور و خود پسندی شاعر است. و از دیگر کارکرد های اسطوره نماد و الگو سازی است.

و در تو ای مرد ! / اصالت لبیک سرخگون حلق اسماعیل / به لبه ی تیز تیغ رسالت ! / در تو رودی هست / که از این پیشتر / درمن / به غارت نمود رفته است . (سرود چهارم ، ۶۵-۶۶) در مورد شهید بروجردیان

یا در این دوبیتی شهیدان را اسماعیل هایی می داند که خویش را در راه پیامبر قربانی می کنند.

اینان که به خلق و خوی اسماعیلند

در حادثه آبروی اسماعیلند

در گفتن لبیک به پیغمبر تیغ

بیتاب تر از گلوی اسماعیلند لبیک (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳ ، ۱۵۰)

در شعر تبرّی شاعر خود را به خاطر سکوت در برابر واقعه ی عاشورا متهم می داند و با اشاره به داستان هایی در مورد زکریا و محمد (ص) همه را به شکستن سکوت دعوت می کند.

در مجمر نمود / در زاویه ی استخوان زکریا / و در صدف مروارید محمدی / فریاد غلتانی شدید

/ و از سکوت / تبرّی جستیم ! / تبرّی (گنجشک و جبرئیل ، ۱۳۷۱، ۳۳)

شعر عریان در دیماه ۵۵ قبل از انقلاب سروده شده و حسینی دیگران را همچون قابیل می داند و خود رایوسفی به تصویر مکشد که به دنبال یعقوب است.

با برادرهایم - از تبار قابیل - / به سفر خواهیم رفت / و بن چاه حماقت هاشان / مرگ را / زندگی

خواهم کرد... / پدرم ! / یعقوبم ! / شمع چشمان تو در کنعانت / با کدامین امید / پرتو افشان باشد؟

/ یوسف پیرهنش عریانی است. عریان (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳ ، ۸۲-۸۳)

حسینی در دیگر اشعارش از اسطوره های پیامبران و امامان به خصوص حضرت علی (ص) برای

نشان دادن قداست مبارزه با دشمن و جانبازی در راه حق استفاده کرده که نمونه هایی ذکر می

گردد.



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

عیسی چو رسید خلق مسرور شدند

تا زد نفسی رها از آن گور شدند

موسی ید بیضا ز بغل کرد برون

گوساله پرستان زمان کور شدند نفس عیسی (همان ، ۱۱۳)

در سنگر حق هماره پیکار خوش است

منصور صفت عروج بر دار خوش است

آنجا که رسد بانگ محمد (ص) بر گوش

رفتن به ره بوذر و عمار خوش است راه حق (همان ، ۱۵۴)

یار وفادار رسول عصر خویشند

عمار روش ، بوذرمنش ، حیدر مآبند...

در اوج ایمان پاسدار نهضت حق

شان نزول آیه های انقلابند از نسل سرخ سربداران (همان ، ۱۲)

اصحاب آفتاب / بر قبضه ی قدیمی من کردند: / « یاران مصطفی / شمشیر زرنگار / حمایل نمی

کنند...» شمشیر باستانی (گنجشک و جبرئیل ، ۱۳۷۱ ، ۴۸)

یک شب ابوسفیان خم شد / شما پا بر کوهان جاهلیت نهادید / و رتیلی برگزیده از میان قبیله

های زهر آگین / از دیوار وحی / بالا خزید برق پولاد های دو پهلو (گنجشک و جبرئیل

، ۱۳۷۱ ، ۸۷)

دل مهدی (عج) ز هدایای شما روشن باد

هم از این رزم الهی دل پیغمبرتان

در شما فتنه خناس ندارد اثری

تابود آیت حق روح خدا رهبرتان سنگر نصر من الله (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳)

، ۱۵)

بنده ی خاص خدائی که همانند علی (ع)

کاکل سرخ ترا زخم ترازوی دگر است

زمزمه ی جاوید خون (همان ، ۲۴)

یا علی گویان سرود لاتخف سر می دهم



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

وداع (همان ، ، ۳۱)

کز نجف آنک علی مرتضی می خواندم

خون جوش زد از زخم علی (ع) دیگر بار

زخم علی (ع) (همان ، ، ۱۱۹)

بر فرق تو چون تیغ خوارج بنشست

وقت است که تیغ حیدری برگیریم

در پیش ره قتال دیگر گیریم

با بانگ بلند یا علی (ع) برخیزیم

قتال دیگر (همان ، ، ۱۵۸)

از بعث یهود باره ، خیبر گیریم

از نعره ی ما گوش فلک کر باید

در دل مارا زهره ی حیدر باید

تا زهر به کام غاصب قدس کنیم

خیبر (همان ، ، ۱۵۸)

یکبار دگر نبرد خیبر باید

پیشانی ات / از میان دیوار می درخشد / دیباج ! منصور / از جنوب غربی تاریخ / با بولدوزر / به مصاف

صدای صاف تو آمد / وقتی جوانان بنی هاشم / از شرق میهنم / در صورهای سپیده / سرخ دمیدند

دیباج اصغر (گنجشک و جبرئیل، ۱۳۷۱، ۴۰)

حسینی حتی در اشعا طنز آمیز خویش از اسطوره های پیامبران بهره گرفته است.

شاعری شانه به سر / از سلیمان می زد / و به هدهد می ریخت / باد در غنغب بی حوصلگی می

انداخت توارد (نوشداروی طرح ژنریک، ۱۳۸۵، ۴۱)

شاعری در مشعر / عارفی در عرفات / بر گل روی محمد (ص) / صلوات !

خاتمه (همان ،

۲۷)

ب: اسطوره های عاشورایی

اسطوره های عاشورایی در شعر حسینی بسامد بسیار بالایی دارد و به شیوه های مختلفی به کار رفته اند

.تعدادی از این اشعار در توصیف شخصیت های اسطوره ای عاشورا است مهمترین شخصیت اسطوره ای

عاشورا در شعر حسینی امام حسین (ع) ، عباس ، زینب و علی اصغر است و اینگونه جلوه گر شده است:

گر بر ستم قرون بر آشفست حسین (ع)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

بیداری ما خواست به خون خفت حسین (ع)

آن جا که زبان محرم اسرار نبود

سر مگو (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳ ،

بالحجه ی خون سر مگو گفت حسین (ع)

(۱۰۲)

بشتاب ، برادر دلیرم بشتاب

عباس تویی تازه فراتی دریاب

چون بود شهید عشق در کرب و بلا

فرات لَبیک (همان ، ۱۰۴)

لب تشنه ی لبیک نه لب تشنه ی آب

آن جمله چو بر زبان مولا جوشید

از نای زمانه نعره ی «لا» جوشید

تنها ز گلوی اصغر شش ماهه

هل من ناصر .. (همان ، ۱۰۵)

خون بود ، که در جواب بابا جوشید

کرامت سرخ (گنجشک و جبرئیل ، ۱۳۷۱ ،

باغ کرامت است / گلوی تو / یا حسین

۳۰ ،

تاریخ زن / آبرو می گیرد / وقتی پلک صبوری می گشایی / و نام حماسی ات / بر پیشانی دو جبهه

ی نورانی می درخشد : / زینب ! / روایت پانزدهم (همان ، ۶۷)

در شعر حسینی اسطوره های عاشورایی به عنوان اسوه و الگویی برای مبارزان راه حق جلوه یافته اند و رزمندگان را ادامه دهنده ی راه شهیدان کربلا معرفی می کند و در برخی اشعار به جهاد تشویق کرده است.

در امتداد پرسش تاریخی حسین (ع)

رسوائی سراب (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳ ،

فواره های خون شما بهترین جواب

(۲۰)

معراج مردان را / قامت بستی / به زخم حسین (ع) / و از این روست / ای دوست ! / که خورشید

/ در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه ات / اقتدا می کند / سرود سوم (همان ، ۶۳-

۶۴) در وصف شهید برو جردیان

مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷



- عالم همه خاک کربلا باید مان
پیوسه به لب خدا باید مان
تا پاک شود زمینی ز ابنای یزید
همواره حسین (ع) مقتدا باید مان
لب تشنه ام از سپیده آیم بدهید
جامی ز زلال آفتابم بدهید
من پرسش سوزان حسینم یاران
با حنجره ی عشق جوابم بدهید
رفتی به ره حسین (ع) و در آخر کار
گلزخم گلوله ، زیب اندام تو شد
هل من .. چو شنید پای در راه نهاد
بر خون حسین (ع) اقتدا کرد و گذشت
آن کس که ره حسین (ع) را می پوید
شهادت است شرنگ عاشقی در کامش
رفتند حسینیان و گلگون کفنان
هشدار در ین عرصه یزید ی نشوی
تا زنده شود رسالت خون حسین (ص)
با نام شکوهمند زینب (س) رفتند
ای پرچم ارغوانی خون حسین (ع)
بر بام جهان در اهتزازت بینم
مقتدا (همان ، ۱۰۲)
(پرسش همان ، ۱۰۷)
راه حسین (همان ، ۱۳۳)
گذشت (همان ، ۱۳۴)
پیغام (همان ، ۱۳۸)
رفتند حسینیان (همان ، ۱۵۱)
رسالت خون حسین (همان ، ۱۶۲)
آرزو (همان ، ۱۶۳)

۳. تجلی اسطوره های انقلاب و دفاع مقدس

کاسیرمعتقد است اسطوره پردازی جنبش سیاسی از طریق راز پردازی زبان و رویکرد حسی - عاطفی به کلمات و مفاهیم راز پردازی شده ؛ رفتار آیینی ، خلق رویداد به عنوان تحقق زمان ابدی ، تقدیر یا سرنوشت. (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۲۲۴)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

تفکر اسطوره ای تصویر ساز و نماد والگو ساز است . نماد والگو نیز ثابت و بسته است یعنی مطابق یک سر نمون یا آرکه تیپ ازلی است . این نوع تفکر اسطوره ای ، مولفه ها و رویکرد هایی دارد که می تواند بروزاتی در شرایط کنونی و متناسب موضوعات کنونی ما داشته باشد. انگلس بر این نظر است که انقلاب در هر کشور مبتنی بر تئوری خاصی باید باشد . این تئوری خاص ، حاصل تلفیق تئوری عام انقلاب با شرایط خاص هر جامعه است. (گستره اسطوره ، ۱۳۸۲ ، ۲۲۷)

اسطوره های انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس را که در شعر حسینی تجلی یافته اند می توان اسطوره های ملی مذهبی عصر حاضر به شمار آورد زیرا این اسطوره ها هم از نظر مذهبی و اعتقادات دینی شاخصه های این دورانند هم از نظر جان فشانی در راه دفاع از وطن و آب و خاک خویش به عنوان سمبل در جامعه شناخته می شوند. بارز ترین اسطوره ی انقلاب که مطرح شده رهبر کبیر انقلاب ، امام خمینی ، است که شاعر برای تشویق به جهاد و دفاع از اسلام و سرزمین ایران ایشان را الگو معرفی می کند و امام خمینی را ادامه دهنده راه امامان معصوم در عصر حاضر می داند و خورشیدی است که راه را روشن می کند.

هم آواز خمینی شو ز جان و دل حسینی شو

بزن در عرصه عالم صلاى محشرى دیگر

بهل خود محورى ها را بنا حق داورى ها را

بزن چرخى على گونه به گرد محورى دیگر بهاریه (هم صدا با حلق اسماعیل ، ۱۳۶۳ ، ۱۰)

آید به گوش از آسمان : اینست مهدى!

خیزد خروش از تشنگان : اینست باران! ...

ای باغبان باغ پر بار امامت

بوی تو دارد پیر بیدار جماران وارث نور (همان ، ۲۹)

بانگ «هل من ناصر» از کوی جماران می رسد

در طریق عاشقى روح خدا می خواندم وداع (همان ، ۳۰)

خوشید تبعیدی به زندان افق بود

شب در هجوم بال خفاشان قرق بود مثنوی شهیدان (همان ، ۳۵)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

حسینی در شعر «تنفس آتشفشان سرد» میرزا کوچک خان جنگلی را اسطوره ای نامیرا معرفی می کند و پهلوانی می نامد که شرف، آزادگی و دلآوری اش را به رادمان امروز می سپارد.

میرزا شهید شور و شرف / گرد گیله مرد / خنیاگر خزر / فریاد می زند: / میرزا نمرده است / میرزا حریق جنگل در خون طپیده را / میرزا طلسم فجر و طلوع سپیده را / میرزا تفنگ را / به شهبان شب شکن / این قاصدان صبح / این وارثان مصحف و میزان سپرده است . تنفس آتشفشان سرد (همان ، ۴۹)

از اسطوره های انقلابی و مبارز که با همه ی هستی خویش در برابر مغولان ایستادگی کردند سربدارانند و در تاریخ ایران به عنوان اسطوره ی پایداری و جانبازی مطرحند و شاعر رزمندگان و پاسداران را ادامه دهنده راه و مرام ایشان می داند.

ای همچو سربداران ، در رزم با تاران
جانانه زنده کردی آئین سربداری
این امتداد سرخ سلسله ی سربداران : پاسداران ...
از نسل سرخ سربداران سلحشور
نام آوران خطه ی دارو طنابند
ای همچو سربداران (همان ، ۲۷)
ده فرمان جهاد (همان ، ۶۸)
از نسل سرخ سربداران (همان ، ۱۲)

شهید اسطوره ای است که در ادبیات انقلاب با خصوصیتی چون ایثار و قداست و... و با واژگانی چون لاله در اشعار شاعران متعهد جلوه گر شده اند . حسینی شهید را به زیبایی به تصویر کشیده و از آرایه هایی همچون استعاره ، تشبیه و تلمیح برای بیان مقصود خویش بهره گرفته است و با بیان معنویت رزمندگان و شهیدان ؛ شهادت طلبی، وطن دوستی، خداپرستی رزمندگان و شهیدان را الگوی واقعی برای حال و آینده قرار می دهد.

جز لاله های خون در آن مسلخ نمی رست
در نای ها حتی گل آوخ نمی رست ...
با ذوالجناح نور تا معراج راندند
تا وعده گاه عشق تا حلاج راندند
مثنوی شهیدان (همان ، ۳۶-۳۷)



مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷

بیا در خدا خویش را گم کنیم

برسم شهیدان تکلم کنیم ...

ببین لاله هایی که در باغ ماست

خموشدند و فریادشان تا خداست

مثنوی عاشقان (همان ، ۴۱)

شهیدان خفتند / و حرف آخر را / گفتند / ما / اما نشستیم / و دل به حادثه بستیم .

نفرین

(همان ، ۹۹)

گفتم : به چه ره بایدمان رفتن؟ گفت:

آن راه که می روند یاران شهید

راه (همان ، ۱۳۹)

بیدار و شان خفته دل برخیزید !

خوشید سر از زخم شهیدان بر کرد

ظهور نور (همان ، ۱۴۳)

برعشق دوام می دهد خون شهید

از فتح پیام می دهد خون شهید

برخیز که با زبان گویای سکوت

پیغام قیام (همان ، ۱۴۳)

پیغام قیام می دهد خون شهید

نتیجه :

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که اسطوره ی باستانی ، مذهبی ، انقلابی و دفاع مقدس در شعر سید حسن حسینی بسامد دارد و برای بیان اعتقادات ملی و مذهبی خویش از آنها بهره گرفته است . وی اسطوره های باستانی را بیشتر به عنوان تلمیح و نمونه ای برای انسان های امروز استفاده کرده و اسطوره های مذهبی به ویژه عاشورایی بسامد بیشتری دارد . حسینی اکثر اسطوره ها را برای نشان دادن حقانیت شهیدان در اهداف انقلابی و دفاع مقدس به کار برده است .

مطالعات زبان و ادبیات

تهران - خرداد ۱۳۹۷



منابع :

۱. حسینی ، سید حسن ، (۱۳۶۳) . هم صدا با حلق اسماعیل ، چاپ اول ، واحد انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
۲. حسینی ، حسن ، (۱۳۷۱) . گنجشک و جبرئیل ، مجموعه شعر (۱۳۶۳-۱۳۶۴) / تهران ، نشر افق
۳. حسینی ، سید حسن ، (۱۳۸۵) . نوشاروی طرح ژنریک ، تهران ، انتشارات سوره مهر
۴. واحد دوست ، مهوش ، (۱۳۸۱) . رویکردهای علمی به اسطوره‌شناسی ، چاپ اول ، انتشارات سروش
۵. الیاده ، میرچا ، (۱۳۸۶) . چشم‌اندازهای اسطوره ، چاپ دوم ، انتشارات تولی
۶. انوشه ، حسن ، (۱۳۸۱) . فرهنگ نامه ادبی فارسی ، جلد دوم (چناری ، اسطوره)
۷. پورنامداریان ، تقی ، (۱۳۸۵) . داستان پیامبران ، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. باستید ، روژه ، (۱۳۷۵) . دانش اساطیر ، ترجمه‌ی جلال ستاری ، تهران ، توس ، چاپ اول
۹. ارشاد ، محمدرضا ، (۱۳۸۲) . گستره‌ی اسطوره / گفتگوی محمد رضا ارشاد ، تهران ، هرمس ، مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها
۱۰. الیاده ، میرچا ، (۱۳۷۵) . اسطوره ، رویا راز ، رویا منجم ، فکر روز ، چاپ دوم